

تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر سطح محافظه کاری

الهام السادات ملکی^۱

سیدکاظم ابراهیمی^۲

فاطمه جلالی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

چکیده

طبق نظریه چرخه عمر شرکت‌ها، واحدهای تجاری در مراحل مختلف چرخه عمرشان دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند، بنابراین انتظار می‌رود رفتار گزارشگری مالی نیز طی مراحل چرخه عمر سازمانی متفاوت باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر سطح محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. ابتدا شرکت‌های عضو نمونه آماری به مراحل رشد، بلوغ و افول تفکیک شدند. سپس با آزمون فرضیه‌های جداگانه پژوهش و با استفاده از رگرسیون چندمتغیره به روش داده‌های ترکیبی برای ۷۶ شرکت مشخص گردید که میزان محافظه کاری محاسبه شده با استفاده از مدل خان و واتس (۲۰۰۹)، در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها متفاوت است؛ به طوری که مرحله رشد شرکت در طی چرخه عمر، تأثیر منفی معناداری بر محافظه کاری شرکت‌ها دارد و بین مرحله بلوغ و افول با محافظه کاری شرکت‌ها، رابطه مثبت معناداری مشاهده گردید.

واژه‌های کلیدی: چرخه عمر شرکت، محافظه کاری حسابداری، کیفیت سود..

۱- کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، (مسئول مکاتبات). Elham.s.maleki@gmail.com

۲- دانشیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، (نویسنده اصلی). kebrahimi@semnan.ac.ir

۳- مربی گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۱- مقدمه

تضاد منافع میان مدیران و سرمایه‌گذاران موجب شده است که مدیران از برتری اطلاعاتی خود برای انتقال ثروت از سرمایه‌گذاران به سمت خودشان استفاده نمایند (واتس، ۲۰۰۲). افزایش قیمت بازار سهام، منافع مدیر را افزایش می‌دهد و مدیران می‌توانند اطلاعات را به گونه‌ای افشاء نمایند که قیمت سهام را افزایش دهند (لافوند و واتس، ۲۰۰۸). بدین ترتیب و با توجه به تئوری نمایندگی به نظر می‌رسد وجود ساز و کار کنترلی و یا نظارتی کافی برای محافظت از سهامداران در مقابل تضاد منافع لازم باشد. وضع محدودیت قانونی جهت عدم افشاء اطلاعات محرمانه، عدم اجازه معامله و سرمایه‌گذاری برای افراد دارای اطلاعات محرمانه و همچنین افزایش کیفیت اطلاعات عمومی تهیه شده در صورت‌های مالی از ساز و کارهایی است که ضمن کاهش بازدهی غیرعادی، از سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی در مقابل مسئله نمایندگی محافظت می‌نماید.

در چنین شرایطی تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری با هدف حمایت از حقوق ذی‌نفعان بر ارائه اطلاعات مفید به سرمایه‌گذاران تأکید می‌نمایند و از محافظه‌کاری به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی مرتبط با نامتقارن بودن اطلاعات استفاده می‌نمایند. حسابداری محافظه‌کارانه بهترین خلاصه ممکن از اطلاعات قطعی به غیر از قیمت سهام در رابطه با عملکرد جاری برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد و همچنین باعث افشاء آن دسته از اطلاعاتی می‌گردد که مدیران نسبت به انتشار آن‌ها بی‌میل هستند (لافوند و واتس، ۲۰۰۸). محافظه‌کاری از طریق محدود نمودن مدیریت سود و بهبود سطح افشاء اطلاعات می‌تواند منجر به بهبود محیط‌های اطلاعاتی گردد (دی کروات، ۲۰۱۲) و با شناسایی سریع اخبار اقتصادی بد نسبت به اخبار اقتصادی خوب منجر به افزایش سطح کیفیت افشاء اطلاعات حسابداری، تغییر رفتار مبادلاتی سرمایه‌گذاران ناآگاه و یا بی‌اطلاع و کاهش عدم اطمینان راجع به ارزش شرکت می‌شود (براون و هایچلست، ۲۰۱۱) (به نقل از بولو و همکاران، ۱۳۹۳). تمرکز این پژوهش بررسی تأثیر چرخه عمر بر محافظه‌کاری به عنوان یکی از شاخص‌های مدیریت سود است که قابل اعمال نظر توسط مدیران است.

در مطالعات پیشین، بررسی عامل چرخه عمر واحد تجاری بر محافظه‌کاری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. طبق نظریه چرخه عمر، ویژگی‌های مالی و اقتصادی واحد تجاری، تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که واحد تجاری در آن قرار دارد (آنتونی ورامش^۱، ۱۹۹۲). همان‌طور که رفتار سازمانی در مراحل گوناگون چرخه عمر متفاوت می‌باشد، رفتار گزارشگری مالی نیز انتظار می‌رود طی مراحل چرخه عمر سازمانی متفاوت باشد.

مطالعات قبلی مشخص کرده‌اند که معیارهای کیفیت سود (از جمله محافظه‌کاری) در ارتباط با اصول کسب‌وکار، استراتژی‌ها و منابع مالی هستند که اساس مراحل چرخه عمر را تشکیل می‌دهند

(چن و همکاران^۲، ۲۰۱۰ و لثو^۳، ۲۰۰۸). بر اساس یافته‌های چاریتو و همکاران^۴ (۲۰۱۱)، شرکت‌های در حال رشد تمایل به محافظه‌کاری بیشتر (برای اخبار بد و خوب) و توانایی بالاتر برای نشان دادن ضرر و زیان در مقایسه با شرکت‌های بالغ دارند. با توجه به موارد فوق، در این پژوهش بر آنیم تا تأثیر مراحل مختلف چرخه عمر را بر سطح محافظه‌کاری شرکت بررسی نماییم.

۲- مبانی نظری

۲-۱- محافظه‌کاری

محافظه‌کاری می‌تواند به عنوان سیاست‌ها و گرایش‌های حسابداری تعریف شود که به یک جانب‌داری رو به پایین در ارزش حسابداری خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش اقتصادی آن‌ها کمک می‌نمایند (راش و تیلور^۵، ۲۰۱۵).

بیانیه مفاهیم حسابداری مالی (SFAC) شماره ۲ محافظه‌کاری را به شرح زیر تعریف می‌کند: «واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از این که ابهام و ریسک‌های ذاتی در شرایط کسب‌وکار به گونه‌ای مناسب مد نظر قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، اگر دو برآورد از یک مبلغ دریافتی یا پرداختی آتی وجود داشته باشد و احتمال وقوع هر دو یکسان باشد؛ محافظه‌کاری استفاده از برآوردی را دیکته می‌کند که کمتر خوش‌بینانه است.» (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰).

در پژوهش‌های اخیر، محافظه‌کاری را به دودسته تفکیک نموده‌اند. نوع نخست محافظه‌کاری پیش‌رویدادی است که محافظه‌کاری مستقل از اخبار و محافظه‌کاری غیرشرطی نیز خوانده می‌شود. محافظه‌کاری پیش‌رویدادی از به‌کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی جاری می‌کاهند. نوع دیگر محافظه‌کاری، محافظه‌کاری پس‌رویدادی یا محافظه‌کاری شرطی، به مفهوم شناسایی بلادرنگ اخبار بد نسبت به اخبار خوب در سود است (مشایخ و میمنت‌آبادی، ۱۳۹۳). این نوع محافظه‌کاری معمولاً "به عنوان شناخت بلادرنگ زیان و یا عدم تقارن زمانی سود تعریف می‌شود که نشان‌دهنده درجه بالاتر الزامات تأیید برای سود نسبت به زیان می‌باشد" (باسو^۶، ۱۹۹۷ و واتس^۷، ۲۰۰۳). به عبارت ساده‌تر، عدم تقارن زمانی سود به معنی این است که افزایش ارزش دارایی‌ها به محض دریافت اخبار خوب به سرعت کاهش ارزش دارایی‌ها پس از دریافت اخبار بد نیست (رایان^۸، ۲۰۰۶).

محافظه‌کاری سود یکی از معیارهای کیفیت سود بوده که مورد توجه قرار می‌گیرد. برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود) مدل‌های متعددی وجود دارد،

اما معمولاً برای اندازه‌گیری آن از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده می‌شود و بیشتر بودن آن بیانگر کیفیت بیشتر سود است (صفرزاده، ۱۳۹۲). کیفیت سود از جنبه‌های با اهمیت سلامت مالی شرکت‌هاست که مورد توجه تمام استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. کیفیت سود به توانایی سود گزارش شده در انعکاس سود واقعی، سودمندی در پیش‌بینی سود آتی و همچنین به ثبات، پایداری و عدم تغییرپذیری سود گزارش شده اشاره دارد (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۴). به بیان دیگر کیفیت بالای سود به معنای سودمندی اطلاعات سود در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و همچنین، نزدیکی آن به سود اقتصادی است؛ اما از آنجا که کیفیت سود مفهومی بر پایه محتوا است، لذا امکان تعریفی جامع از آن وجود ندارد (بولو و حسنی‌القار، ۱۳۹۳). محافظه‌کاری از یک طرف در محدود کردن آزادی عمل و خوش‌بینی مدیران، حمایت از حقوق ذی‌نفعان و حل بسیاری از مشکلات نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی نقش دارد. علاوه بر این محافظه‌کاری باعث ایجاد اطمینان بیشتر در انتظارات و برآوردهای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از حداقل عایدات شده و بدین ترتیب باعث افزایش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌شود (بالاچاندران و موهانرام^۹، ۲۰۱۱ و کردستانی و امیر بیگی، ۱۳۸۷). محافظه‌کاری با تأثیر مستقیم روی صورت‌های مالی، تصمیمات تمامی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، شامل سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران بازار سهام، وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان، سهام‌داران و مدیریت شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (راش و تیلور، ۲۰۱۵).

۲-۲- چرخه عمر و محافظه‌کاری

متغیر مستقل بررسی شده در این پژوهش متغیر چرخه عمر شرکت‌هاست، چرخه‌های عمر به عنوان مراحل مشخص هستند که ناشی از تغییرات در فاکتورهای داخلی شرکت، مانند انتخاب استراتژی، منابع تأمین مالی یا توانایی مدیریت است و یا بر اثر عوامل خارجی مانند فضای رقابتی به وجود می‌آید (دیکنسن^{۱۰}، ۲۰۱۱). پژوهشگران چهار مرحله را برای توصیف چرخه عمر به شرح زیر تعریف کرده‌اند (ادیزس^{۱۱}، ۱۹۸۹):

مرحله تولد یا ظهور: در این مرحله، میزان دارایی‌ها (اندازه شرکت) در سطح نازلی قرار دارد. جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و سودآوری در سطح پایین است و شرکت‌ها برای تحقق فرصت‌های رشد به نقدینگی بالایی نیاز دارند.

مرحله رشد: در این مرحله، اندازه شرکت بیشتر از میزان آن در مرحله ظهور است. رشد فروش و درآمدها نیز نسبت به مرحله ظهور بیشتر است. منابع مالی بیشتر در دارایی‌های مولد سرمایه‌گذاری می‌گردد و شرکت از انعطاف‌پذیری بیشتری در شاخص‌های نقدینگی برخوردار است.

مرحله بلوغ: در این مرحله شرکت‌ها فروش باثبات و متعادلی را تجربه نموده و نیاز به وجوه نقد در اکثر موارد از طریق منابع داخلی تأمین می‌شود. اندازه دارایی‌های این شرکت‌ها به تناسب بیشتر از اندازه دارایی‌های شرکت‌های در مرحله رشد است.

مرحله افول: در این مرحله فرصت‌های رشد در صورت وجود بسیار ناچیز است، شاخص‌های سودآوری، نقدینگی و ایفای تعهدات روند نزولی داشته و شرکت در شرایط رقابتی بسیار شدیدی قرار دارد.

بلک^{۱۲} (۱۹۹۸) چرخه عمر را به عنوان مشخصه‌ای از ویژگی‌های شرکت نام برد. گزارش‌های مالی نیز در چرخه‌های متفاوت عمر تغییر می‌کند. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که چرخه عمر شرکت بازتابی از تصمیمات حسابداری شرکت‌هاست که مرتبط با انگیزه‌های مدیریت سود در واحد تجاری است و باور اینکه مدیران در چرخه‌های متفاوت عمر، انگیزه‌های یکسانی برای مدیریت سود دارند دشوار به نظر می‌رسد (چن و همکاران، ۲۰۱۰).

مطالعه چرخه عمر برای نشان دادن فاکتورهای اساسی شرکت‌ها، بسیار فراگیر و کامل است و برای ترسیم روند پیشرفت واحد تجاری از مطالعه یک بخش واحد تجاری جامع‌تر می‌باشد. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که کیفیت سود که شامل محافظه‌کاری است، با اصول واحد تجاری، استراتژی‌ها و منابع مالی در ارتباط است که این موارد اصول مراحل چرخه عمر را تشکیل می‌دهد (عبداله و محد صالح^{۱۳}، ۲۰۱۴). صورت‌های مالی و در رأس آن صورت سود و زیان، منبع مهمی از اطلاعات در مورد شرکت هستند. سود محافظه‌کارانه به نوعی سود باکیفیت تلقی شده و عدم تقارن در شناسایی سودها و زیان‌ها (شناسایی سریع‌تر زیان‌ها نسبت به سودها) قابلیت اتکای اعداد صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد (رضایی و مهربانی، ۱۳۹۲).

در خصوص تأثیر چرخه عمر بر گزارشگری و اطلاعات شرکت‌ها دو دیدگاه مخالف وجود دارد. دیدگاه رقابتی بیان می‌دارد که شرکت‌های در مرحله رشد برای حذف ریسک از دست دادن مزیت رقابتی‌شان، تمایل به گزارش اطلاعات با کیفیت پایین دارند و پس از تکمیل بسیاری از پروژه‌هایشان و ورود به مرحله بلوغ، آن‌ها کیفیت اطلاعاتشان را افزایش می‌دهند (پیوتروسکی^{۱۴}، ۲۰۰۳ و لئوز^{۱۵}، ۲۰۰۴)؛ بنابراین با توجه به دیدگاه رقابتی، شرکت‌ها در مرحله رشد برای اینکه بتوانند در بازار رقابت کنند، کیفیت گزارش‌های مالی و کیفیت سود گزارش شده را پایین می‌آورند و سود خود را با محافظه‌کاری کمتری گزارش می‌کنند؛ و پس از وارد شدن به مرحله بلوغ و ثبات، کیفیت گزارش‌ها را افزایش می‌دهند و رویه‌های محافظه‌کارانه‌تری را در پیش می‌گیرند. به طور مثال، ام سی نیکولز^{۱۶} (۲۰۰۰) استدلال نمود که شرکت‌های با رشد سود مورد انتظار بالاتر، اقلام تعهدی مورد انتظار بالاتری (که نشان‌دهنده کیفیت سود ضعیف و همچنین سطح محافظه‌کاری

پایین‌تر می‌باشد) در مقایسه با شرکت‌های با رشد سود مورد انتظار پایین‌تر (شرکت‌های بالغ) نشان می‌دهند. در مورد گزارش‌های شرکت‌های در مرحله افول نیز با توجه به این‌که عموماً این شرکت‌ها مراحل پایانی عمر خود را سپری می‌کنند، به دلیل قرار گرفتن در رقابت شدید با سایر رقبای، تمایل به گزارش بیشتر سود دارند، بنابراین با به‌کارگیری رویه‌های غیر محافظه‌کارانه کیفیت گزارش‌های خود را پایین می‌آورند. در مورد شرکت‌های در مرحله افول این مورد اثبات شده است که این شرکت‌ها محافظه‌کاری کمتری را در مقایسه با سایر مراحل چرخه عمر بر گزارش‌های خود اعمال می‌کنند و تمایل به گزارش سود مثبت دارند (چاریتو و همکاران، ۲۰۱۱). با این حال، دیدگاه رقیب یا علامت‌دهی معتقد است که شرکت‌های در مرحله رشد تمایل دارند تا از طریق اطلاعات باکیفیت خود، فرصت‌های رشد و عملکرد آینده مطلوب خود را نشان دهند و این امر، سبب افزایش کیفیت اطلاعاتشان می‌گردد (پیوتروسکی، ۲۰۰۳ و لغوز، ۲۰۰۴).

۳- پیشینه پژوهش

پارک و چن^{۱۷} (۲۰۰۶) تأثیر محافظه‌کاری و چرخه عمر را روی ارزش شرکت مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که محافظه‌کاری با مرحله چرخه عمر یک اثر مشترک بر ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری دارند.

چاریتو و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که کیفیت سود شرکت‌های آمریکایی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ که توسط به‌هنگام بودن سود (محافظه‌کاری) و مدیریت سود به سمت اهداف مثبت اندازه‌گیری شده است، بین شرکت‌های در حال رشد و شرکت‌های بالغ و نیز در میان شرکت‌های درمانده مالی، شرکت‌های ورشکسته و شرکت‌های سالم متفاوت می‌باشد. این پژوهش نشان داد که در شرکت‌های در حال رشد (شرکت‌های با چشم‌انداز رشد بالا) به‌هنگام بودن سود در خصوص اخبار بد بیشتر از شرکت‌های بالغ (شرکت‌های با گزینه‌های رشد کمتر) می‌باشد، همچنین آن‌ها دریافتند که شرکت‌های در حال رشد در زمان دریافت اخبار خوب محافظه‌کارتر هستند. عبدالله و محدصالح (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر چرخه عمر بر محافظه‌کاری پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تفاوت محافظه‌کاری در سطوح متفاوت چرخه عمر است. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت‌های در حال رشد نسبت به شرکت‌های بالغ محافظه‌کاری کمتری اعمال می‌کنند و شرکت‌های در حال افول نسبت به شرکت‌های بالغ محافظه‌کاری کمتری اعمال می‌کنند. در پژوهشی دیگر مشتاق و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۴) دریافتند که کیفیت سود در مراحل مختلف چرخه عمر، تفاوت معناداری با هم ندارد.

در قسمت پژوهش‌های داخلی پیرامون محافظه‌کاری، فروغی و عباسی (۱۳۹۰) به بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین محافظه‌کاری و اندازه شرکت، رابطه منفی و معنادار وجود دارد و ارتباط محافظه‌کاری با دو متغیر *MB* و اهرم مالی مثبت و معنادار است. از سوی دیگر ضریب همبستگی بین محافظه‌کاری با متغیر عمر منفی و معنادار است و این ضریب برای متغیرهای طول چرخه سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان خاص شرکت مثبت و معنادار است. اُستا و قیطاسی (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که میزان استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت است. به طوری که میزان استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ و افول بیشتر و میزان استفاده از این اقلام در مرحله بلوغ نسبت به افول کمتر است. نهندی و محمودزاده باغبانی (۱۳۹۲) به بررسی محافظه‌کاری و ارتباط آن با مدیریت سود پرداختند، نتایج پژوهش نشان‌دهنده عدم وجود ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و مدیریت سود بود.

مرادی و اسکندر (۱۳۹۳) نیز به بررسی کیفیت سود طی چرخه عمر شرکت‌ها پرداختند، نتایج این پژوهش نشان داد که بر اساس معیارهای پایداری سود و پیش‌بینی‌کنندگی، کیفیت سود طی چرخه عمر متفاوت است، ولی مربوط بودن ارزش و محافظه‌کاری طی چرخه عمر تفاوت معناداری ندارد. در پژوهشی دیگر پیرامون محافظه‌کاری و عوامل مؤثر بر آن پورزمانی و منصوری (۱۳۹۴) تأثیر کیفیت افشا، محافظه‌کاری و رابطه آن‌ها با هزینه سرمایه سهام عادی را بررسی کردند، نتایج نشان داد که با افزایش میزان کیفیت افشا و یا محافظه‌کاری از هزینه سرمایه سهام عادی شرکت‌ها کاسته می‌شود.

۴- فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا بین محافظه‌کاری و چرخه‌های متفاوت عمر شرکت‌ها ارتباطی وجود دارد یا خیر. در این پژوهش ارتباط سه مرحله چرخه عمر، شامل مرحله رشد، بلوغ و افول با محافظه‌کاری مورد آزمون قرار گرفته است. با توجه به تعاریف ارائه شده انتظار بر این است شرکت‌ها در مرحله رشد و افول محافظه‌کاری کمتر و در مرحله بلوغ محافظه‌کاری بیشتری را بر صورت‌های مالی اعمال کنند. با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش دارای فرضیه‌های زیر است:

فرضیه اول: ارتباط منفی معناداری بین مرحله رشد چرخه عمر شرکت‌ها و محافظه‌کاری وجود دارد.

فرضیه دوم: ارتباط مثبت معناداری بین مرحله بلوغ چرخه عمر شرکت‌ها و محافظه‌کاری وجود دارد.

فرضیه سوم: ارتباط منفی معناداری بین مرحله افول چرخه عمر شرکت‌ها و محافظه‌کاری وجود دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد؛ این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین این پژوهش از لحاظ ماهیت توصیفی، همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش‌ها محقق به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر می‌باشد. از سویی دیگر، پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد.

۵-۱- روش گردآوری داده‌ها

به منظور گردآوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است و با مطالعه کتب، نشریات و سایت‌های اینترنتی، این اطلاعات استخراج شده است. جهت جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از منابع موجود و معتبر استفاده شده است. در این پژوهش داده‌های اولیه با استفاده از متن صورت‌های مالی، یادداشتهای همراه آن‌ها، اطلاعات موجود در نرم‌افزار اطلاعاتی ره‌آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از نرم‌افزار صفحه گسترده اکسل جهت طبقه‌بندی و محاسبه متغیرها استفاده گردید و در نهایت اطلاعات حاصل با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی *Eviews6* و *stata* ۱۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵-۲- جامعه آماری و انتخاب نمونه

جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۵ می‌باشد. در این پژوهش به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند (حذف سیستماتیک)، با اعمال شرایط ذیل استفاده شده است:

(۱) نام شرکت تا پایان سال ۱۳۸۵ در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس درج شده باشد و اطلاعات مالی مورد نظر، طی دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.

(۲) به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداده باشد.
 (۳) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشد.
 با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۷۶ شرکت (۶۸۴ شرکت-سال) به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

۵-۳- نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۵-۳-۱- متغیر وابسته (محافظه‌کاری حسابداری)

خان و واتس^{۱۹} (۲۰۰۹)، مدل باسو (۱۹۹۷) را با تغییراتی معرفی نمود که به عنوان امتیاز c -score شناخته شده است. در این مدل متغیرهای جدیدی به مدل باسو اضافه می‌شود. این متغیرها شامل اندازه، نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی می‌باشد. پس از رگرسیون برای هر شرکت در هر سال، λ_i به دست آمده $1 - 4 = i$ از مدل ۱ در رابطه ۱ جاگذاری می‌شود تا c -score برای هر شرکت در هر سال به دست آید.
 c -score شاخص محافظه‌کاری یا به عبارتی شناسایی سریع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب می‌باشد. در نهایت c -score به دست آمده (به عنوان متغیر وابسته) و برای بررسی اثر چرخه‌های متفاوت عمر (به عنوان متغیرهای مستقل)، مورد استفاده قرار می‌گیرد.
 مدل (۱)

$$\frac{X_i}{Mv_i} = \beta_1 + \beta_2 DR_i + R_i(\mu_1 + \mu_2 Size_i + \mu_3 M/Bi + \mu_4 Lev_i) + R_i * DR_i (\lambda_1 + \lambda_2 Size_i + \lambda_3 M/Bi + \lambda_4 Lev_i) + (\delta_1 Size_i + \delta_2 M/Bi + \delta_3 Lev_i + \delta_4 DR_i Size_i + \delta_5 DR_i M/Bi + \delta_6 DR_i Lev_i) + \varepsilon_i$$

X: سود خالص

MV: ارزش بازار ابتدای دوره حقوق صاحبان سهام

R: بازده سالانه سهام

DR: متغیر مجازی اگر $R \leq 0$ باشد ۱ در غیر این صورت ۰

SIZE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

M/B: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

LEV: اهرم مالی: کل بدهی‌ها تقسیم بر قیمت بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای دوره

سپس λ_i های محاسبه شده برای اندازه‌گیری امتیاز محافظه‌کاری به شرح زیر استفاده می‌شود: هر چه امتیاز محافظه‌کاری بیشتر باشد آن شرکت محافظه‌کارتر است.

رابطه (۱)

$$C - score = \lambda_1 + \lambda_2 Size_i + \lambda_3 M/Bi + \lambda_4 Lev_i$$

C-score محاسبه شده در رابطه (۱) به عنوان معیار، جهت محافظه‌کاری شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۳-۲- متغیر مستقل (چرخه عمر)

در این پژوهش به منظور تفکیک شرکت‌ها، به مراحل مختلف چرخه عمرشان از مدل آنتونی و رامش (۱۹۹۲) استفاده شده است. بر اساس این مدل ابتدا متغیرهای مدل (فروش، مخارج سرمایه ای، سود تقسیمی) برای سال شرکت‌های موجود در نمونه به صورت جداگانه محاسبه شد. سپس متغیرهای محاسبه شده استانداردسازی و به طور جداگانه به سال - شرکت‌های مربوط به هر صنعت که در نمونه بوده‌اند، تخصیص یافت. در ادامه مقادیر محاسبه شده به پنجک‌های آماری تقسیم‌بندی شد و بر حسب اولویت و بر اساس روش‌شناسی پارک و چن (۲۰۰۶) به هر پنجک اعدادی بین ۱ تا ۵ تخصیص یافت. در نهایت اعداد اختصاص یافته به متغیرهای مدل برای هر شرکتی در هر سال با هم جمع شدند و سال - شرکت‌های نمونه بر اساس شرایط زیر به مراحل مختلف چرخه عمر تفکیک شدند:

(۱) اگر مجموع نمرات بین ۱۰ تا ۱۵ باشد، در مرحله رشد قرار دارد.

(۲) اگر مجموع نمرات بین ۵ تا ۱۰ باشد، در مرحله بلوغ قرار دارد.

(۳) اگر مجموع نمرات بین ۰ تا ۵ باشد، در مرحله افول قرار دارد.

در این پژوهش، به علت غیرفعال بودن معامله (خریدوفروش) سهام یا غیر بورسی بودن شرکت‌های نوظهور، چرخه عمر به صورت سه مرحله رشد، بلوغ و افول تعریف شده و از مرحله ظهور چشم‌پوشی شده است.

جدول ۱ - مدل چرخه عمر شرکت

مراحل چرخه عمر	رشد فروش (SG_{it})	نسبت سود تقسیمی (DPR_{it})	مخارج سرمایه‌ای (CE_{it})
چندک اول	۱	۵	۱
چندک دوم	۲	۴	۲
چندک سوم	۳	۳	۳
چندک چهارم	۴	۲	۴
چندک پنجم	۵	۱	۵

منبع: مدل چرخه عمر (یافته‌های پژوهشگر)

نحوه محاسبه متغیرهای فوق نیز به صورت ذیل است:

$$SG_{it} = [(Sale_{it} / Sale_{it-1}) / (Sale_{it-1})] * 100$$

$$DPR_{it} = (DPS_{it} / EPS_{it}) * 100$$

$$CEV_{it} = (CV_{it} / MV_{it}) * 100$$

SG رشد فروش شرکت، DPR نسبت سود تقسیمی و CEV تغییر در مخارج سرمایه‌ای شرکت می‌باشد. DPS سود تقسیمی هر سهم، EPS سود هر سهم، CV تغییر دارایی‌های ثابت شرکت و MV ارزش بازار شرکت می‌باشد.

در نهایت برای آزمون فرضیه‌ها از سه الگوی رگرسیونی کمک می‌گیریم که به ترتیب ارتباط مراحل متفاوت چرخه عمر شامل مرحله رشد، بلوغ و افول را با محافظه کاری نشان می‌دهد.

مدل (۲)

$$C - score_{it} = \beta_1 + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 AFS_{it} + \beta_4 CS_{it} + \varepsilon_i$$

$C-score$: میزان محافظه کاری شرکت i در سال t محاسبه شده از رابطه (۱)

Age : متغیر مجازی چرخه عمر؛ که برای مراحل مختلف چرخه عمر به صورت جداگانه آزمون می‌شود.

AFS_{it} : متغیر مجازی اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی است ۱ در غیر این صورت ۰

CS_{it} : اندازه شرکت: (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها)

۵-۳-۳- متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل سایر عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری که با متغیرهای مستقل در نظر گرفته نشده است. بر اساس پژوهش‌های پیشین، عبدالله و محدصالح (۲۰۱۴) و فروغی، عباسی (۱۳۹۰)، متغیر اندازه حسابرس (حسابرسی توسط سازمان حسابرسی) و اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی دارایی‌ها) به عنوان متغیرهای کنترلی انتخاب شدند.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر در هریک از مراحل چرخه عمر است. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر میانگین و میانه و همچنین شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در مراحل مختلف چرخه عمر

متغیر	مرحله رشد			مرحله بلوغ			مرحله افول		
	میانگین	میانه	انحراف معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار
<i>Cs</i>	-۰/۰۰۳	۰	۰/۰۱۶	-۰/۰۰۳	۰	۰/۰۲۳	۰	۰	۰/۰۰۹
<i>Age</i>	۰/۲۸۸	۰	۰/۴۵۳	۰/۶۱۴	۱	۰/۴۸۷	۰/۰۹۷	۰	۰/۲۹۷
<i>AFSIZE</i>	۰/۰۵۲	۰	۰/۲۲۳	۰/۱۷۵	۰	۰/۳۸۰	۰/۰۳۰	۰	۰/۱۷۲
<i>CSize</i>	۳/۸۴۹	۰	۶/۰۹۱	۸/۱۸۸	۱۲/۲۷	۶/۵۶۱	۱/۳۳۲	۰	۴/۰۶۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۲- نوع داده‌ها و آزمون فرض کلاسیک

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در داده‌های ترکیبی به منظور انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون *F* لیمر استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۳ نشان داده شده است. برای برآورد پارامترهای مدل‌های رگرسیون، آزمون فرض کلاسیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله مهمترین این فرض‌های مربوط به بررسی عدم وجود خودهمبستگی، عدم وجود هم‌خطی و عدم وجود ناهمسانی واریانس بین باقیمانده‌های مدل می‌باشد. به منظور تشخیص وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها، از آزمون دوربین واتسون (*DW*) استفاده شد. مقدار این آماره برای مدل‌های پژوهش،

حاکمی از نبود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها است. در خصوص بررسی هم‌خطی نیز قابل ذکر است که با اینکه استفاده از داده‌های ترکیبی، خود یکی از روش‌های جلوگیری از بروز هم‌خطی است، اما برای بررسی وجود احتمالی هم‌خطی از روش بررسی نسبت‌های R^2 و t (R^2 بالا اما آماره‌های t بی‌معنی باشند) استفاده شده است. همچنین آزمون تورم واریانس (VIF) جهت بررسی هم‌خطی استفاده گردید. نتایج این بررسی‌ها نشان داد که بین متغیرهای مدل‌های مورد آزمون، هم‌خطی وجود ندارد. به منظور بررسی وجود ناهمسانی واریانس بین باقیمانده‌ها، از آزمون والد استفاده شد. بر این اساس جهت رفع ناهمسانی واریانس در مدل‌هایی که دارای ناهمسانی می‌باشند از روش رگرسیون GLS استفاده شد.

جدول ۳ - خلاصه نتایج آزمون F لیمر

مدل	آزمون F لیمر	
	آماره	احتمال
مدل ۲ (مرحله رشد)	۱/۱۷	۰/۱۶
مدل ۲ (مرحله بلوغ)	۱/۱۶	۰/۱۷
مدل ۲ (مرحله افول)	۱/۱۷	۰/۱۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴ - نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

الگو	آزمون LR	
	آماره	P -Value
مدل ۲ (مرحله رشد)	۳۴۷/۷۵	۰/۰۰۰۰
مدل ۲ (مرحله بلوغ)	۳۴۸/۸۲	۰/۰۰۰۰
مدل ۲ (مرحله افول)	۳۴۹/۳۳	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۶- نتایج آزمون فرضیه‌ها

۳-۶-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول (مرحله رشد)

مطابق فرضیه اول انتظار داریم که بین "مرحله رشد چرخه عمر شرکت‌ها و محافظه‌کاری ارتباط منفی معناداری وجود داشته باشد". همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر چرخه عمر (مرحله رشد) کمتر از سطح خطای $۰/۰۵$ می‌باشد. از این رو

می‌توان نتیجه گرفت که بین مرحله رشد و محافظه‌کاری حسابداری رابطه معنادار وجود دارد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ منفی است، این موضوع بدین معنی است که بین مرحله رشد و محافظه‌کاری حسابداری رابطه معکوس وجود دارد؛ بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول ۵ و در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیه نخست در مرحله رشد این پژوهش تأیید خواهد شد. همچنین اندازه شرکت، رابطه معکوس و معناداری با محافظه‌کاری حسابداری دارد و بین حساسی توسط سازمان با محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره F کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۰/۹۹ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول ۵ - نتایج آزمون فرضیه اول، مرحله رشد

$C - score_{it} = \beta_1 + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 AFS_{it} + \beta_4 CS_{it} + \varepsilon_i$					
مرحله رشد					
سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر	
				نماد	عنوان
۰/۰۲۰	۲/۳۲۰	۰/۰۱۰	۰/۰۲۴	β_1	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	-۳/۷۶۷	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۶	Age	چرخه عمر (مرحله رشد)
۰/۳۹۱	۰/۸۵۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	$AFSize$	حسابرسی توسط سازمان
۰/۰۰۵	-۲/۷۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	$CSize$	اندازه شرکت
	۰/۰۳		ضریب تعیین تعدیل شده	۸/۰۱ (۰/۰۰)	آماره F (احتمال)
	۶۸۴		تعداد مشاهدات	۲/۲۴	آماره دوربین واتسون

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۳-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم (مرحله بلوغ)

مطابق فرضیه دوم انتظار داریم که بین "مرحله بلوغ چرخه عمر شرکت‌ها و محافظه‌کاری ارتباط مثبت معناداری وجود داشته باشد". همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر چرخه عمر (مرحله بلوغ) کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین مرحله بلوغ و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی معنادار وجود دارد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ مثبت است، این موضوع بدین معنی است که بین مرحله بلوغ و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد؛ بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶ و در سطح اطمینان ۰/۹۵ فرضیه‌ی دوم در مرحله بلوغ این پژوهش تأیید خواهد شد. همچنین اندازه شرکت، رابطه‌ی معکوس و معناداری با

محافظه‌کاری حسابداری دارد و بین حسابرسی توسط سازمان با محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره‌ی F کمتر از $0/01$ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان $0/99$ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول ۶ - نتایج آزمون فرضیه دوم، مرحله بلوغ

$C - score_{it} = \beta_1 + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 AFS_{it} + \beta_4 CS_{it} + \varepsilon_i$					
مرحله بلوغ					
سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر	
				نماد	عنوان
0/045	2/00	0/010	0/021	β_1	عرض از مبدأ
0/024	2/249	0/001	0/003	Age	چرخه عمر (مرحله بلوغ)
0/281	1/077	0/001	0/002	AFSize	حسابرسی توسط سازمان
0/004	-2/883	0/000	-0/002	CSize	اندازه شرکت
	0/02	ضریب تعیین تعدیل شده		5/02 (0/00)	آماره F (احتمال)
	684	تعداد مشاهدات		2/26	آماره دوربین واتسون

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۳-۳ - نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم (مرحله افول)

مطابق فرضیه سوم انتظار داریم که بین "مرحله افول چرخه عمر شرکت‌ها و محافظه‌کاری ارتباط منفی معناداری وجود داشته باشد". همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر چرخه عمر (مرحله افول) کمتر از سطح خطای $0/05$ می‌باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین مرحله افول و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی معنادار وجود دارد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر در سطح خطای $0/05$ مثبت است، این موضوع بدین معنی است که بین مرحله افول و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد؛ بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول ۷ و در سطح اطمینان $0/95$ فرضیه‌ی سوم در مرحله افول این پژوهش تأیید خواهد شد. همچنین اندازه شرکت، رابطه‌ی معکوس و معناداری با محافظه‌کاری حسابداری دارد و بین حسابرسی توسط سازمان با محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره‌ی F کمتر از $0/01$ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان $0/99$ این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول ۷ - نتایج آزمون فرضیه سوم، مرحله افول

$C - score_{it} = \beta_1 + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 AFS_{it} + \beta_4 CS_{it} + \varepsilon_i$					
مرحله افول					
سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر	
				نماد	عنوان
۰/۰۲۲	۲/۲۸۸	۰/۰۱۰	۰/۰۲۴	β_1	عرض از مبدأ
۰/۰۵۵	۱/۹۱۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	Age	چرخه عمر (مرحله افول)
۰/۱۳۵	۱/۴۹۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	AFSize	حسابرسی توسط سازمان
۰/۰۰۲	-۳/۰۱۸	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	CSize	اندازه شرکت
۰/۰۲			ضریب تعیین تعدیل شده	۴/۳۰ (۰/۰۰)	آماره F (احتمال)
۶۸۴			تعداد مشاهدات	۲/۲۴	آماره دوربین واتسون

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گرفته است. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ نمونه‌های بررسی شده در این پژوهش می‌باشند و برای تقسیم شرکت‌ها به سه مرحله چرخه عمر از معیارهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای و سود تقسیمی استفاده شده است. به طور خلاصه نتایج نشان داد که میزان محافظه‌کاری طی چرخه عمر شرکت‌ها متفاوت است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین مرحله رشد و محافظه‌کاری شرکت‌ها رابطه منفی معناداری وجود دارد و این بدین معنی است که در مرحله رشد، شرکت‌ها محافظه‌کاری کمتری را اعمال می‌کنند. نتایج حاصل از آزمون مراحل بلوغ و افول با محافظه‌کاری نیز نشان داد که بین مراحل بلوغ و افول با محافظه‌کاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این بدین معنی است که شرکت‌ها در مراحل بلوغ و افول محافظه‌کاری بیشتری را اعمال می‌کنند. از بین سه مرحله چرخه عمر محافظه‌کاری اعمال شده در مرحله افول بیشتر است، به نحوی که با طی چرخه عمر از رشد به افول، محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نتایج عبدالله و محدصالح (۲۰۱۴) در مرحله رشد و بلوغ مطابقت دارد و در مرحله افول با نتایج عبدالله و محدصالح (۲۰۱۴) در تضاد است. همچنین این نتایج با یافته‌های مرادی و اسکندر (۱۳۹۳)، مشتاق و همکاران (۲۰۱۴)، چاریتو و همکاران (۲۰۱۱) و فروغی، عباسی (۱۳۹۰) سازگار نیست. این نتایج را می‌توان مطابق با

دیدگاه رقابتی دانست و این گونه تفسیر کرد که در ایران با طی کردن مراحل چرخه عمر، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

همان‌طور که از نتایج پژوهش‌ها بر می‌آید، مرحله چرخه عمر روی میزان محافظه‌کاری اعمال شده توسط شرکت‌ها مؤثر است و این تأثیر می‌تواند ناشی از ویژگی‌ها و شرایطی باشد که در هر مرحله از چرخه عمر وجود دارد که روی رفتار گزارشگری مدیران، به ویژه روی میزان محافظه‌کاری اثر گذاشته است (عبداله و محمد صالح، ۲۰۱۴).

در این پژوهش اثر اندازه شرکت با محافظه‌کاری نیز بررسی شد که نتایج نشان داد که با افزایش اندازه شرکت، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. این نتایج با نتایج فروغی و عباسی (۱۳۹۰) سازگار است.

هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مفید به تصمیم‌گیرندگان است. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و مشخص شدن تأثیر چرخه عمر روی محافظه‌کاری، به همه فعالان بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران پیشنهاد می‌شود هنگام تجزیه و تحلیل برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، به عامل مهم چرخه عمر توجه کافی داشته باشند. این مسئله مورد توجه سرمایه‌گذاران باشد که لحاظ داشتن این عامل مهم منجر به سرمایه‌گذاری با کمترین ریسک و بیشترین بازدهی می‌شود. با توجه به نتایج این پژوهش توصیه می‌شود که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به این نکته توجه کافی داشته باشند که با توجه به این که ارتباط منفی معناداری بین شرکت‌های در مرحله رشد با محافظه‌کاری وجود دارد، محافظه‌کاری اعمال شده بر صورت‌های مالی این شرکت‌ها پایین‌تر است در نتیجه گزارش‌های با کیفیت پایین‌تری را نسبت به سایر مراحل عمرشان ارائه می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱) آستا، سهراب و روح اله قیطاسی، (۱۳۹۱)، "اثر چرخه عمر واحد تجاری بر اقلام تعهدی اختیاری"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره اول، صص ۸۹-۱۰۴.
- ۲) بادآور نهندی، یونس و سعید محمودزاده باغبانی، (۱۳۹۲)، "بررسی محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و رابطه آن با مدیریت سود"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۱۸، صص ۸۲-۱۰۲.
- ۳) بولو، قاسم، محمد مرفوع و علیرضا ابوالحسنی طرقي، (۱۳۹۳)، "رابطه بین بازده غیر عادی و حسابداری محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، شماره ۵۷، صص ۲۷-۶۵.
- ۴) بولو، قاسم و مسعود حسنی القار، (۱۳۹۳)، "ارتباط میان کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام"، دانش حسابداری، شماره ۱۷، صص ۴۹-۷۵.
- ۵) پورزمانی، زهرا و فرناز منصوری، (۱۳۹۴)، "تأثیر کیفیت افشا، محافظه‌کاری و رابطه متقابل آن‌ها بر هزینه سرمایه سهام عادی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، شماره ۲۵، صص ۷۹-۹۶.
- ۶) دستگیر، محسن، احمد گوگردچیان و ستاره آدمیت، (۱۳۹۴)، "رابطه بین کیفیت سود (پراکندگی سود) و بازده سهام"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، شماره ۲۶، صص ۲۱-۳۷.
- ۷) رضایی، فرزین و سمیه بافهم مهربانی، (۱۳۹۲)، "تأثیر چرخه‌های عملیاتی و ساختار مالکیت بر سطح محافظه‌کاری شرکت‌ها به روش *c-score*"، مجله دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، سال دوم، شماره هفتم، صص ۷۵-۹۰.
- ۸) صفرزاده، محمد حسین، (۱۳۹۲)، "کیفیت سود و معیارهای اندازه‌گیری آن"، پژوهش حسابداری، شماره ۹، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- ۹) فروغی، داریوش و جواد عباسی، (۱۳۹۰)، "بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه‌کاری حسابداری"، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره اول، صص ۱۱۴-۱۳۳.
- ۱۰) کردستانی، غلامرضا و حبیب امیر بیگی لنگرودی، (۱۳۸۷)، "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری"، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۵۲، صص ۸۹-۱۰۶.

(۱) مرادی، محمد و هدی اسکندر، (۱۳۹۳)، "بررسی کیفیت سود طی چرخه عمر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۲۱-۱۳۹.

(۱۲) مشایخ، شهناز و شیوا میمنت آبادی، (۱۳۹۳)، "افشای حسابداری، کیفیت حسابداری، محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۵۳-۷۰.

- 13) Abdullah, Asna Atqa and Norman Mohd Saleh, (2014), "Impact of Firms Life Cycle on Conservatism: The Malaysian Evidence", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 145, PP. 18-28.
- 14) Adizes, I, (1989), "Corporate Life Cycle: How and Why Corporations Grow and Die and What Do about it", Englewood Cliffs, NJ.
- 15) Anthony, J.H, and K Ramesh, (1992), "Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices", *Journal of Accounting and Economics*, 15, PP. 203-227.
- 16) Balachandran, S.V and P.S. Mohanram, (2011), "Is the Decline in the Value Relevance of Accounting Driven by Increased Conservatism", *Review of Accounting Studies*, 16(2), PP. 272-302.
- 17) Basu, S, (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings", *Journal of Accounting and Economics*, 24, PP. 3-38.
- 18) Black, E, (1998), "Life Cycle Impacts on the Incremental Value-Relevance of Earnings and Cash Flow Measures", *The Journal of Financial Statement Analysis*, PP. 40-56.
- 19) Charitou, A, N Lambertides and L Trigeorgis, (2011), "Distress Risk, Growth and Earnings Quality", *Abacus*, 47(2), PP. 158-181.
- 20) Chen, X, W Yang and D Huang, (2010), "Corporate Life-Cycle and the Accrual Model: An Empirical Study based on Chinese Listed Companies", *Frontiers of Business Research in China*, 4(3), PP. 580-607.
- 21) Dickinson, V, (2011), "Cash Flow Patterns as a Proxy for Firm Life Cycle", *The Accounting Review*, 86(6), PP. 1969-1994.
- 22) Financial Accounting Standards Board (FASB), (1980), "Statement of Financial Accounting Concepts No 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information", FASB, Norwalk, CT.
- 23) Khan, M and R.L Watts, (2009), "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism", *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), PP. 132-150.
- 24) Leuz, C, (2004), "Proprietary Versus Nonproprietary Disclosures: Evidence from Germany", in Leuz C., D. Pfaff and A. Hopwood, *The Economics and Politics of Accounting*, 15, PP. 10-24.
- 25) Liu, M, (2008), "Accruals and Managerial Operating Decisions over the Firm Life-Cycle", Pennsylvania State University.
- 26) McNichols, M. F, (2000), "Research Design Issues in Earnings Management Studies," *Journal of Accounting and Public Policy*, 19(4-5), PP. 313-345.

- 27) Moshtagh, Fereshteh, Mohammad Reza Abbaszadeh, Mohammad Hossein Vadiiei and Mehdi Jabbari, (2014), "An Investigation of the Effect of Firm's Life Cycle Stages on Earning Quality", Asian Journal of Research in Research in Banking and Finance, Vol. 4, No. 8, PP. 109-122.
- 28) Park, Y and K.H Chen, (2006), "The Effect of Accounting Conservatism and Life-Cycle Stages on Firm Valuation", Journal of Applied Business Research, 22(3), PP. 75-92.
- 29) Piotroski, J, (2003), "Discretionary Segment Reporting Decisions and the Precision of Investor Beliefs", Working Paper, University of Chicago.
- 30) Rush, George W and Gary Taylor, (2015), "Accounting Conservatism: A Review of the Literature", Journal of Accounting Literature, Vol. 34, PP. 17-38.
- 31) Ryan, S. G, (2006), "Identifying Conditional Conservatism", European Accounting Review, 15(4), PP. 511-525.
- 32) Watts, R. L, (2003), "Conservatism in Accounting. Part I: Explanations and Implications", Accounting Horizons, 17(3), PP. 207-221

یادداشت‌ها

1. Anthony & Ramesh
2. Chen, et al
3. Liu
4. Charitou, et al
5. Ruch & Taylor
6. Basu, S
7. Watts, R. L
8. Ryan, S. G
9. Balachandran & Mohanram
10. Dickinson
11. Adizes, I
12. Black
13. Abdullah & Mohd-Saleh
14. Piotroski, J
15. Leuz, C
16. McNichols, M. F
17. Park & Chen
18. Moshtagh, et al
19. Khan, M., and Watts, R. L
20. Conservatism Score

